

مقاله پژوهشی

مقایسه عملکرد اقتصادی دولت‌ها بعد از انقلاب اسلامی بر ضریب جینی

فرامرز نعمتی میری^۱، رضا شیرزادی^۲، میر ابراهیم صدیق^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

چکیده: شکاف طبقاتی همواره منشأ بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی بوده است. گسترش فاصله طبقاتی از یک سو به افزایش فقر در جامعه منجر می‌شود. شکاف طبقاتی یکی از عمده‌ترین معضلات پیش روی هر جامعه‌ای بوده به طوری که دولت‌ها با اجرای برنامه‌های اقتصادی موجب عمیق‌تر شدن و یا کمتر شدن آن در کشور شده‌اند که در سال‌های اخیر فاصله طبقاتی در جامعه ایران افزایش یافته است. شکاف طبقاتی که گسترش فقر و نابرابری را در پی دارد باعث ایجاد نارضایتی بین اقشار ضعیف جامعه می‌شود و می‌تواند به کاهش حمایت مردم از حکومت منجر شود. هدف این پژوهش بررسی شکاف طبقاتی در جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی است. سوال اصلی پژوهش به این صورت مطرح می‌شود. از مهم‌ترین دلایل شکاف طبقاتی در جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی می‌توان به چه مواردی اشاره کرد؟ فرضیه پژوهش این است که اجرای سیاست‌ها و جهت‌گیری دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی به ویژه پس از جنگ تحمیلی و اجرای برنامه‌های توسعه پنج ساله و رویکرد متفاوت هر دولت به عدالت اجتماعی روند تشدید شکاف طبقاتی بانوساناتی شروع شد و ادامه یافت. روش تحقیق در این مقاله کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است.

واژگان اصلی: مقایسه، عملکرد دولت‌ها، انقلاب اسلامی، شکاف طبقاتی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)

shirzadi2020@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مقدمه

یکی از اهداف انقلاب اسلامی و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی، بهبود توزیع درآمدها و کاهش شکاف طبقاتی است. بررسی عوامل افزایش شکاف طبقاتی، می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران در کنار گذاشتن سیاست‌های اشتباه و اتخاذ سیاست‌های درست باشد. مقابله با شکاف طبقاتی، فقر و افزایش رفاه اجتماعی یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده و همواره در جهت جلوگیری از فاصله طبقاتی و شکاف بین مردم اقدام به تدوین برنامه‌های برای مقابله با شکاف طبقاتی نموده است. هدف‌گذاری جهت بهبود توزیع درآمد و تأکید بر آن در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی بیانگر اهمیت موضوع مقابله با شکاف طبقاتی است. اهمیت توزیع عادلانه درآمد وقتی دو چندان می‌شود که بدانیم، توزیع ناعادلانه درآمد به واسطه آثار اقتصادی، تبعات اجتماعی نیز به همراه خواهد داشت. در واقع نابرابری گسترده در توزیع درآمد به شکاف طبقاتی و فقر، که از دلایل کُند کننده رشد اقتصادی و افزایش نارضایتی به شمار می‌آیند، منجر می‌شود و به واسطه آثار اقتصادی، بستر مناسبی برای پیدایش بسیاری از آسیب‌های سیاسی - اجتماعی است. حال سوال اصلی پژوهش به این صورت مطرح می‌شود که از مهم‌ترین دلایل شکاف طبقاتی در جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی می‌توان به چه مواردی اشاره کرد؟ فرضیه پژوهش این است که اجرای سیاست‌ها و جهت‌گیری دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی به ویژه پس از جنگ تحمیلی و اجرای برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و رویکرد متفاوت هر دولت به عدالت اجتماعی شکاف طبقاتی را تشدید نمود. مهم‌ترین جنبه نوآوری در این تحقیق بررسی شکاف طبقاتی در کشور بعد از انقلاب اسلامی با تکیه بر آمار و ارقام نتایج عملکرد هر دولت است که تاکنون مقاله‌ای با این عنوان چاپ نشده است. مهم‌ترین مانع برای این پژوهش عدم دسترسی به منابع علمی معتبر بوده است و اگر منبعی یافت می‌شود بیشتر تکراری است. روش تحقیق در این مقاله کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی است که به صورت بسیار منسجم و شفاف به شکاف طبقاتی در جامعه ایران بعد از انقلاب پرداخته است.

پیشینه پژوهش: در مورد پژوهش حاضر، مقالات و پایان نامه‌های متعددی نگاشته شده است که البته از منظر شکاف طبقاتی بررسی نشده است. مقالات گوناگونی در دیگر حوزه‌ها درباره ایران بعد از انقلاب مورد پژوهش قرار گرفته است که به شرح زیر است: مرادی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "معرفی و نقد کتاب: شکاف‌های اجتماعی در ایران" بابت توجهی به چند شکاف اجتماعی مهم از جمله شکاف طبقاتی، شکاف قومی، شکاف جنسیتی و شکاف دینی. که در این مجموعه استفاده

نشده است. نادری و هوشنگی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "وضعیت محرومیت و فاصله طبقاتی در دوره پهلوی دوم؛ واکاوی عوامل و زمینه‌ها" به تحلیل سیاسی و اجتماعی برخی موارد مهم چون عوامل گسترش فقر و محرومیت و افزایش فاصله طبقاتی پرداخته‌اند. طاهرپور (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان "حقوق شهروندی و کاهش فاصله طبقاتی از دیدگاه اسلام" به بررسی حقوق شهروندی و کاهش فاصله طبقاتی از دیدگاه اسلام پرداخته است و بر اساس آیات و روایات و احادیث به صورت بسیار شفاف به موضوع پرداخته است. جلالی‌پور و عزیزی‌مهر (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل جامعه شناختی ارزش‌های طبقاتی در ایران" به بررسی ارزش‌های طبقاتی در جامعه ایران پرداخته‌اند و طبقه را با معیار اشتغال، تعریف و برای شناسایی طبقه بالا از معیار دارایی در کنار اشتغال استفاده می‌کنند. قوام و مال میر (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان "ارائه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت-ملت" (الگویابی روابط بین دولت و جامعه) در صدد این هستند تا توضیحی نظری را برای پاسخ به این پرسش فراهم آورند که چرا و چگونه بین دولت و ملت شکاف به وجود می‌آید؟ که به این نتیجه می‌رسند که، هرچه در فرایند دولت‌سازی، استقلال منابع مورد استفاده دولت از یک گروه یا طبقه خاص بیشتر باشد، به تشکیل یک دولت قوی و حداکثری کمک می‌کند و در مقابل اگر دولت به یک طبقه یا گروه خاص وابستگی منبعی (اعم از مالی، نظامی و ایدئولوژیکی) داشته باشد، یک دولت حداقلی (به معنای دولت خاص‌گرا) تشکیل می‌شود که امکان شکاف بین این نوع دولت با جامعه بالا است.

۱- چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله‌ی حاضر مبتنی بر نظریات توسعه نامتوازن می‌باشد. بر اساس نظریه توسعه نامتوازن، دولتها با اهمیت دادن به توسعه اقتصادی، سبب به وجود آمدن طبقه متوسط جدیدی شده‌اند که خواسته‌های سیاسی دارند. خواسته‌هایی که در بطن توسعه سیاسی نهفته است و در بر دارنده آزادی خواهی، حقوق شهروندی و حقوق دموکراتیک مدرن بوده و دولت‌ها با آن مخالفانند. طبقه متوسط جدید را می‌توان به گروه‌های مختلفی از جمله صاحبان مشاغل علمی و روشنفکران و دانشجویان، مدیران، کارمندان عالی رتبه و اداری، حقوق‌بگیران بخش عمومی تقسیم کرد. روشنفکران فعال‌ترین گروه مخالف در میان طبقه متوسط هستند. دانشجویان نیز منسجم‌ترین و کارآمدترین انقلابیان در میان روشنفکران‌اند. شدیدترین و منسجم‌ترین و شورشی‌ترین مخالفان حکومت موجود را باید در دانشگاه‌ها سراغ کرد (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۰). بر اساس

نظریه توسعه نامتوازن، در کنار فقر فاحشی که در کشورهای جهان سوم مشاهده می‌شود، بخش کوچکی از جامعه بیش از حد تصور متمدن هستند که آن هم اقوام و نزدیکان خانواده حاکم و مرتبط به آنهاست. به عنوان مثال، با بررسی تحولات کشورهای عربی و همچنین ایران می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست‌های نئولیبرالی لزوماً به گسترش دموکراسی ختم نشد، بلکه رشد اقتصادی زمینه ساز رشد طبقه متوسط شد، طبقه‌ای که از آزادی برخوردار نبود و حتی رشد اقتصادی، به دلیل فساد و تبعیض، به بهبود اوضاع اقتصادی آنها منجر نشد. این طبقه از نظر اجتماعی و فرهنگی، احساسات و انتظارات طبقه متوسط مرفه را دارد، دارای رفتار و فرهنگ مدنی، تحصیلات دانشگاهی، اطلاعات و مدرک بالا، آشنا با تکنولوژی جدید و رسانه‌های مدرن است و می‌داند که در دنیا چه خبر است. دارای منزلت اجتماعی و منش و کردار طبقه متوسط و گروه‌های یقه سفید است، ولی از سوی دیگر، فقر اقتصادی نظیر بیکاری او را مجبور می‌کند که از حیث اقتصادی مانند فقیران زندگی کند؛ یعنی در محلات فقیر نشین مأوا داشته باشد و اگر شانس کار داشته باشد، به عنوان کارگر در اقتصاد غیررسمی یا به عنوان دست‌فروش و راننده تاکسی به مشاغل دون پایه، کم درآمد و نیمه وقت بسنده کند. بر طبق نظریه توسعه نامتوازن، برجسته‌ترین پیامد ناکارآمدی دولتمردان در خاورمیانه توزیع نادرست و زیان بار ثروت بوده است. در دسترس بودن پول‌های هنگفت ناشی از فروش نفت به شکاف‌های طبقاتی در این کشورها دامن زده و مایه فساد و مصرف‌گرایی بی‌اندازه دولتمردان و توانگران شده است. بر خلاف وعده‌های داده شده در طول چند دهه گذشته، بسیاری از حکومت‌ها در استقرار عدالت اجتماعی با شکست رو به رو شده‌اند. شکاف‌های ژرف میان لایه‌های دارا و ندار جامعه، از چشمگیرترین ویژگی‌های سیاسی خاورمیانه بوده است. این روند موجب ایجاد یک شکاف خطرناک فرهنگی سیاسی میان گروه حاکم و توده مردم شده است (مقصودی، ۱۳۹۰: ۵۳).

۲- راهبردکلی انقلاب اسلامی بر عدالت اجتماعی

توسعه نامتوازن زمینه ساز شکاف اقتصادی عمیق در نواحی مختلف و همچنین میان طبقه ثروتمند و فقیر است. سیاست‌های دولت در زمینه شکاف طبقاتی مبارزه با فقر و نابرابری اجتماعی و نابرابری در توزیع درآمد در دوره بعد از انقلاب به استناد قانون اساسی راهبردهای دوگانه جمهوری اسلامی مشخص شده است.

۱- راهبردامحای نظام سرمایه‌داری و ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر عدل و قسط طبقات ایجاد شده

است.

۲- برپایه گسترش عدالت توزیعی از طریق آموزش و بهداشت رایگان، توجه به توسعه روستایی برپایه گسترش نظام تامین اجتماعی و کمک‌های حمایتی دولت در کاهش فقر و بهبود محیط کسب و کار و فراهم ساختن زمینه سرمایه‌گذاری خصوصی در کشور و اعتلای رشد اقتصادی و توانمندسازی فقرا، ایجاد فرصت‌های مناسب و امنیت لازم برای آنها برنامه‌ریزی شده است. (هادی زنوز، ۱۳۸۵: ۲۰-۷) یکی از علل نارضایتی مردم از رژیم پهلوی توزیع ناعادلانه و رشد سریع اقتصادی و بی‌عدالتی اقتصادی و اجتماعی بود و در همین راستا در قانون اساسی جمهوری اسلامی پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت رفاه و رفع شکاف طبقاتی و برطرف کردن هرنوع محرومیت مورد توجه قرار گرفت.

دولت ایران در دهه اول انقلاب به سمت سیاست‌های اقتصادی حرکت کرد که می‌توان از آنها به سیاست‌های بازتوزیعی تعبیر کرد. (حاتمی، ۱۳۸۷: ۱۴) پس از پیروزی انقلاب اسلامی تصمیمات اقتصادی مهمی از سوی دولت موقت و شورای انقلاب اسلامی در غیاب مجلس قانونگذاری گرفته شد. بخش اعظم این تصمیمات ناظر بر خلع ید اقتصادی از بخش خصوصی و سپردن مالکیت و مدیریت بنگاه‌ها به بخش دولتی بود. این رفتار حکایت از نفوذ عمیق اندیشه‌های چپ گرایانه در میان نیروهای هوادار انقلاب اسلامی داشت. نیروهایی که در کل نظر مساعدی نسبت به مالکیت خصوصی و بخش خصوصی نداشتند و حتی جناح‌های تندرو آشکارا بودی سرمایه داری را یکی از اهداف اصلی انقلاب می‌دانستند. کنار نهادن بخش خصوصی و دولتی کردن اقتصاد به بخش معینی از فعالیت‌ها محدود نمی‌شد بلکه همه حوزه‌ها حتی فعالیت‌های صنفی بخش خصوصی را در بر می‌گرفت. از نخستین تصمیمات مهم اقتصادی شورای انقلاب ملی کردن یا در واقع دولتی کردن کل نظام بانکی کشور، قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، قانون ملی کردن موسسات بیمه و موسسات اعتباری، اقدام بعدی پس از ملی کردن بانک‌ها تعیین تکلیف واحدهای تولیدی بزرگ بود. قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، رعایت نظام اسلامی در مورد حقوق کار، خروج اقتصاد ایران از وابستگی به نفت و احراز استقلال از طریق تولید نیازهای داخلی تا سرحد خودکفایی در کشور بود. موضوعات اقتصادی مطرح در قانون اساسی مصوب آذرماه ۱۳۵۸ در فصل چهارم، اصل ۴۳ و به ویژه ۴۴ بیشترین تاثیر را در سرنوشت بعدی اقتصاد کشور به جا گذاشته است. اصل ۴۳ در واقع وضع آرمانی جمهوری اسلامی را ترسیم می‌نماید (غنی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۸۹-۱۷۵).

اصل چهل و سوم برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت

و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی اوست. در همین اصل می‌توان حضور دوشیوه تفکر متفاوت و حتی متضاد را ملاحظه کرد: از یک طرف این تفکر القا می‌شود که گویا دولت جمهوری اسلامی ایران مسئولیت کل نظام اقتصادی و هدایت آن را برعهده دارد و از طرفی دیگر تاکید بر این است که دولت نباید تبدیل به کارفرمای بزرگ مطلق منبع تأمین استقلال اقتصادی کالاهای اساسی، ایجاد اشتغال کامل و غیره شود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در قانون اساسی فقر و محرومیت یک امر طبیعی یا اجتناب ناپذیر تلقی نشده است بلکه مهندسی اجتماعی و دخالت در ساز و کار اقتصادی برای رسیدن به عدالت اجتماعی ضروری تلقی شده است. جمهوری اسلامی خود را متعهد به تحقق اهداف توسعه و فقرزدایی که یکی از محورهای کلیدی آن است کرده است. بعد از انقلاب اسلامی تلاش‌های فراوان و گسترده در جهت بهسازی وضعیت فقرا به عمل آمد و از طرفی توجهات به سمت کم کردن توزیع ناعادلانه درآمد معطوف شد.

۳- دهه اول انقلاب: دولت وقت در سال‌های اولیه پس از انقلاب توانست در زمینه کنترل مصرف و کمک به تامین حداقل‌های مصرفی برای قشرهای وسیع مردم از طریق عرضه نسبتاً ارزان و یارانه‌ای پاره‌ای از کالاهای اساسی و ایجاد نظم نسبی در زمینه توزیع کالاهای بادوام خانگی تلاش‌های خوبی انجام دهد. دولت این سال‌ها با ایجاد محدودیت‌های اساسی در عرضه پاره‌ای از کالاهای مصرفی اقشار ثروتمند الگوی مصرفی این گروه را تا حد کنترل کند. (زندوکیلی، ۱۳۹۷: ۱۹).

دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوران بهبود توزیع درآمدها و ثروت هادر کشور است. سمت‌گیری شورای انقلاب اسلامی، یادگاری‌های دولت شهید رجایی در زمینه به حداقل رساندن فاصله میان حداکثر و حداقل حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان دولت و طرح ۶۰ ساله، برقراری سیستم سهمیه‌بندی کالاهای اساسی. با اضافه الزام‌های قانون اساسی در این زمینه مانند از بین بردن انحصارهای خصوصی، ممانعت از ورود بخش خصوصی در زمینه برخی فعالیت‌های به‌غایت سودآور و مسئولیت‌های جدید دولت در زمینه مسکن آموزش و بهداشت تمامی احاد جامعه بود. (مومنی، ۱۳۹۷: ۲۳-۱۹) نوسانات قیمت نفت، مشکل اصلی فراروی سیاست‌های دولت بود. با وجود این موانع و مشکلات، اقتصاد کشور به یاری جریان مستمر صادرات نفت و درآمدهای حاصل از آن توانست از بروز کمبودهای غیرقابل تحمل تورم از شیوع و فقر و فساد و تبعیض جلوگیری کند. حتی در زمان جنگ غذا و سایر مایحتاج اولیه زندگی در حد قابل قبول یافت می‌شد. هیچگاه قطعی روی نداد نرخ

تورم خیلی بالا نرفت. کارشناسان سازمان ملل خسارت ناشی از جنگ را ۹۷ میلیارد ریال تخمین زدند و کارشناسان داخلی آن را هزار میلیارد برآورد کردند. اما دولت علی‌غم هزینه سنگین جنگ از توسل زیاد به استقراض خارجی تن نداد. کسری بودجه با تقلیل پرداخت‌های غیر ضروری در حد پایین کنترل می‌شد. اثرات نامطلوب تورم بر روی حقوق‌بگیران و اقشار آسیب پذیر با سیاست‌های حمایتی و یارانه‌ای، جیره بندی و توزیع مستقیم کالاها و اساسی جبران گردید. دولت توانست نظام اجتماعی رابه سمت هرچه عادلانه تر شدن درآمدها و ثروت‌ها به پیش بردند و تقریباً همه آنان تا پایان جنگ تحمیلی پابرجا و استوار باقی ماندند.

۴- دولت پنجم و هشتم

۴-۱- جهت گیری کلان اقتصادی: پس از جنگ خرابی‌ها و مشکلات مالی و مادی، نابودی مراکز تولید، کاهش سرمایه‌های ملی و محاصره اقتصادی، نابسامانی‌های اقتصادی، تعقیب وی‌اعتنایی به ترتیبات بین‌المللی موجودیت جمهوری اسلامی را تهدید می کرد. بدیهی بود که پس از جنگ الزامات سیاست خارجی و داخلی پایان پذیرد و الزامات اهداف دیگری جایگزین سیاست‌های اقتصادی و جهت‌گیری‌های دولت در کشور گردد. با به قدرت رسیدن دولت هاشمی که معتقد بود باید تفسیرهای جدیدی از اسلام و اصول قانون اساسی ارائه نمود که با مقتضیات زمان هماهنگ شد فضای اقتصادی ایران تغییر یافت. (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۷: ۱۷) دولت جدید شعار توسعه محوری و سازندگی را برای خود برگزید، تلاش نمود بازسازی کشور را در اولویت سیاست‌های خود قرار دهد. جهت‌گیری دولت سازندگی عدم تعهد اصلاح طلب معرفی شد. اهداف ملی در این دوره شامل توسعه‌گرایی اقتصادی، عادی سازی روابط و تعامل با سازمان‌های بین‌المللی بود. در این دوره به سبب اینکه جمهوری اسلامی ایران در صدد ایفای نقش‌هایی چون دولت توسعه یافته، دولت سرمشوق، قدرت منطقه‌ای و غیره بود. توسعه اقتصادی به عنوان کانون اقدامات دولت قرار گرفت و در واقع پس از پایان جنگ منافع قدرت ملی در حوزه اقتصاد و دفاعی بر منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک اولویت پیدا کرد. به گونه‌ای که رشد و توسعه اقتصادی به عنوان اولویت اول سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی درآمد. هاشمی رفسنجانی اعلام کرد ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی، پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک

شود. (خواججه سروی، ۱۳۹۰: ۹)

برنامه کلان اقتصادی

تعدیل اقتصادی: تعدیل اقتصادی نوعی سیاست اقتصادی است که در آن دولت‌ها برای رسیدن به اهداف مورد نظر که همان برقراری تجارت آزاد، از میان برداشتن تعرفه‌ها و محدودیتهای واردات، باز گذاشتن درهای اقتصادی به روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی رفع محدودیت‌های دولتی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی‌سازی موسسات دولتی و تنظیم مقررات به این منظور تخصیص منابع به جای دولت به وسیله بازار صورت گیرد افزایش دادن قیمت‌ها به سطح قیمت‌های بازار حذف و کنترل قیمت‌ها و نظام جیره‌بندی حذف یارانه‌ها کاهش کارکنان اضافی کاستن قوانین دولتی نظیر قانون حداقل دستمزدها کاهش دخالت دولت در نظام مالی کاستن محدودیت‌هایی که دولت به بانکها تحمیل می‌کند تغییر نظام مالیاتی خواستن یا حذف مالیات‌های کالاها یا صادراتی درمان کسری تراز پرداخت‌ها و تورم از طریق کاهش تقاضای داخلی یعنی مهار رشد عرضه پول، کاهش مخارج دولتی، کاهش رسمی ارزش پول ملی و افزایش نرخ‌های حقیقی و بهره تثبیت کالاها با افزایش بهره‌وری در بخش تولیدی، اصلاحات در نحوه برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت است (مهرگان، احمدی، ۳۸۴: ۷) تعدیل اقتصادی بیشتر در دهه ۱۹۷۰ از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای کشورهای آمریکای لاتین تجویز شد که بعد از چند سال در ایران نیز به اجرا درآمد. با اجرای سیاست تعدیل ساختاری کشورها می‌توانستند از وام‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بهره‌مند شوند. برنامه اول توسعه اقتصادی با تأثیر از رویکرد تعدیل تدوین شد. فرآیند تثبیت اقتصادی در برنامه دوم توسعه نهادینه شد. سیاست تعدیل دولت هاشمی رفسنجانی بر رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی مبتنی بود و دولت در اجرای این برنامه از رویکرد توزیع به سمت رویکرد تولیدی گرایش یافت.

رویه‌مرفته در دولت سازندگی با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی همه شاخص‌های اقتصادی طبق آنچه انتظار می‌رود رخ نداد. وابستگی عمده اقتصاد ایران به نفت، افزایش حجم دولت و ناتوانی در رسیدن به اهداف تعیین شده در برنامه توسعه، اعطای گزینشی یارانه‌ها و عدم شناخت درست از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کشور، نبود زیرساخت‌های لازم، تأکید یکجانبه به اجرای سیاست‌ها بدون توجه به پیامدها و حرکت برای ورود به اقتصاد جهانی، به‌علت عدم کارشناسی خسارت‌زایی را بر جامعه متوسط و فقیر تحمیل کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد پیامد منفی این سیاست‌ها

افزایش نرخ تورم در سال ۱۳۷۴ به بیش از ۴۹ درصد رسید و دولت سازندگی بیشترین نرخ تورم اقتصادی ایران را تا قبل از دولت روحانی برای خود ثبت کرد. همچنین کم توجهی به بخش کشاورزی و اولویت به بخش صنعت مونتاژ ابزارآلات کشاورزی تا حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافت و موجبات نارضایتی بیشتر کشاورزان و کاهش تولید در این بخش گردید. صادرات و واردات بی رویه آزادسازی در بخش خارجی و قدرتمند شدن دلار در مقابل ریال و رفع محدودیت‌های صادرات در دوران تعدیل اقتصادی باعث تشویق صادرات اما به شکل نسنجیده گردید. در آن دوره به گونه‌ای که گسترش صادرات صورت گرفت که بخش عظیمی از نیروی مولد به سوی واردات و صادرات روی آوردند که فشار قابل توجهی روی قیمت‌های داخلی وارد آمد کیفیت کالاهای صادراتی نیز کاهش پیدا کرد. از طرفی بخش عظیمی از منافع حاصل از صادرات به جیب قشر خاصی از دلان و واسطه می‌رفت. گسترش روحیه مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی فرهنگ لوکس‌گرایی جایگزین ضروری‌گرایی شد. واردات مدرن‌ترین اتومبیل به عنوان کالاهای لوکس خارجی ایجاد نمایشگاه بین‌المللی اتومبیل و سایر کالاهای مدرن ساخت برج‌ها و رستوران‌های مجلل و هتل‌های چندستاره و امثال آن نشان عزم دولت در تقویت رفاه طلبی بود. عدم تحقق عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی نسبت به دوره جنگ بدتر شده بود، هزینه‌های زندگی به میزان زیادی افزایش پیدا کرده بود و در ابتدا دولت پنجم تا پایان دولت ششم هزینه‌ها حدود ۸ برابر شده بود. با توجه به وضعیت اشتغال کارگروکارمندان بودن بخش وسیعی از جامعه امکان پوشش راحت این هزینه‌ها وجود نداشت. خصوصی سازی در بهداشت و آموزش جامعه را به سوی طبقاتی شدن بیشتر سوق داد ایجاد مدارس غیرانتفاعی بخش خصوصی و میزان زیاد یاز لحاظ آموزش زمینه بی‌عدالتی را فراهم آورده بود.

جدول شماره ۱: آمار شاخص اقتصادی دولت سازندگی

ردیف	شاخص های مهم اقتصادی در شکاف طبقاتی	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
۱	رشد تولید ناخالص داخلی	۵/۹	۱۴/۱	۱۲/۱	۴	۱/۵	۲/۹	۶/۱
۲	رشد سرمایه گذاری	۷/۴	۱۳/۸	۶۴/۴	-۳/۵	-۱۰/۳	-۱۴/۲	-۴/۵
۳	نرخ تورم	۱۷/۳	۸/۹	۲۰/۷	۲۴/۴	۲۲/۶	۳۵/۲	۴۹/۴
۴	نرخ بیکاری	۱۵/۵	۱۴/۲	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۹/۱

۳۹/۱۰	۴۰/۷۴	۳۹/۹۳	۳۹/۷۶	۳۸/۷۰	۳۹/۹۶	۳۹/۶۹	۴۰/۹۲	ضریب جین	۵
۱۴/۵	۱۶/۱	۱۵/۷	۱۶	۱۵/۹	۱۶/۳	۱۵/۹	۱۷/۶۰	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۶

منبع: آمار بانک مرکزی ایران. گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۱۶۲ و مرکز آمار ایران

۵- دولت هفتم و هشتم

جهت گیری کلان اقتصادی: باروی کارآمدن دولت خاتمی نگرش جدیدی بر فضای کشور حاکم شد. رویکرد کلی و تفکر حاکم بر این دولت توسعه سیاسی و فرهنگی و بر این باور استوار بود که لازمه دستیابی به توسعه فراهم شدن توسعه سیاسی و ارتقاء فرهنگ آن کشور است. شعار دولت خاتمی اصلاح وضع موجود بر اساس ظرفیت‌های مندرج در قانون اساسی بود. خاتمی معتقد بود که تاریخ انقلاب اسلامی به سه دوره تقسیم می‌شود که هر دوره مقتضیات خاص خود را داشته است. دوره اول تلاش برای حفظ انقلاب و نظام است که اوج آن جریان جنگ تحمیلی بود. دوره دوم تعیین جهت آینده نظام و انقلاب است که بعد از جنگ شروع می‌شود و گرایش به آبادانی و سازندگی دارد. دوره سوم تثبیت نظام است و دوم خرداد از بارزترین نشانه‌های اعلام شروع این دوره می‌باشد. آقای خاتمی اعتقاد داشت اصلاحات ریشه در اصول قانون اساسی دارد که مفعول مانده و باید آنها را احیا کرد. در عرصه اقتصادی تأکید بر رشد و عدالت و شفاف‌سازی و قانون‌گرایی داشت. لذا این دولت را گفت‌وگوهای اصلاحات نامید. اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۶ از مشکلات متعددی رنج می‌برد. آقای خاتمی وضعیت اقتصادی کشور را بیمار توصیف کرد و اعلام نمود تا این بیماری به صورت اصولی درمان نشود. مشکلات اقتصادی حل نمی‌شود. رویکرد دولت جدید در مجموع مواجهه با مشکلات اقتصادی ناشی از دولت سازندگی بود. دولت طرح ساماندهی اقتصادی کشور را که نوعی مهندسی مجدد ساختار اقتصادی ایران بود در دستور کار قرار داد. محورهای ساماندهی اقتصاد ایران اصلاح ساختارهای اقتصادی نظیر لغو انحصارات اقتصادی از قوانین و مقررات بازدارنده برای تولید و سرمایه‌گذاری، اصلاح ساختار بودجه عمومی دولت و کاهش وابستگی شدید آن به درآمد صادرات نفت خام، تأمین اجتماعی، تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری و رشد تولید و شکوفایی اقتصادی، بهبود بخشیدن به تراز پرداخت ارزی کشور قرار داد. بر اساس این رویکرد توجه به عدالت اجتماعی و صیانت

از مردم و گروه‌های کم درآمد همسویا تلاش برای رشد اقتصادی از سوی دولت باید پیگیری می‌شد (فوزی، ۱۳۹۶: ۸۵-۸۲). بنابراین دولت در این سال‌ها تلاش کرد تا در ابتدا طرح سازماندهی اقتصادی را به پیش ببرد و سپس تمرکز خود را به پیشبرد برنامه سوم قراردادد. در چارچوب این برنامه توجه به ضرورت‌ها و نیازها و چالش‌های جامعه و ترسیم افق‌ها و چشم اندازهای کشور در دهه سوم انقلاب ترسیم شد. مهمترین ویژگی برنامه سوم در دولت خاتمی تلاش در فراهم ساختن الزامات تحقق توسعه پایدار بود و با راهبرد اطلاعات اقتصادی مبتنی بر رویکرد توسعه رقابتی از طریق حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی همراه با شکل‌گیری نظام جامعه تامین اجتماعی اصلاحات قانونی و لغو انحصارات و مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی دولت ایجاد سالانه بیش از ۸۴۵ هزار فرصت شغلی برای جمعیت جوان و تحصیل کرده طراحی و تدوین شد. (دادگر، ۱۳۸۹: ۱۷)

نتایج مهم اقدامات دولت خاتمی اصلاح نرخ ارز و اجرای سیاست یکسان‌سازی آن و جایگزینی تدریجی تعرفه به جای موانع غیر تعرفه‌ای، فراهم آوردن شرایط برای کاهش تعرفه‌ها، تاسیس بانک‌های خصوصی داخلی و خارجی در مناطق آزاد به همراه تقویت بازار بورس و نظام مالی غیر بانکی به منظور انحصارزدایی از شبکه بانکی، قانون جدید مالیاتی، قانون تجمیع عوارض، حذف و ایجاد بیمه خصوصی، ایجاد حساب ذخیره ارزی که برای تحکیم بنیان‌های تولید و سرمایه‌گذاری قدم‌های مهمی بود، ایجاد حساب ذخیره ارزی حاصل از صادرات نفت خام، اصلاح ساختار، بودجه به منظور کنترل نوسان‌های درآمد نفتی. در این دوران محدودیت‌های مالی دولت و موانع دیگر مانع اقدام اساسی این دولت در پیشبرد تغییرات ساختاری گسترده در حوزه اقتصادی شد و شاخص‌های مرتبط با توزیع عادلانه ثروت و ضریب جینی و سهم دهک‌های پایین نسبت به دهک‌های بالا بهبود نیافت. تداوم وابستگی کشور به درآمد‌های نفتی و روند کند خصوصی‌سازی، کسری بودجه دولت، ضعف دولت در زمینه لغو انحصارات و رواج بازار قاچاق و بازار غیر رسمی ارز، در مجموع دولت خاتمی نتوانست گامی در رفع یا کم کردن شکاف طبقاتی در جامعه بردارد و به نوعی تداوم شکاف طبقاتی دولت قبلی در این دوران ادامه یافت.

جدول شماره ۲: شاخص آمار دولت اصلاحات

ردیف	شاخص های مهم اقتصادی برشکاف طبقاتی	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۱	رشد تولید ناخالص داخلی	۲/۸	۲/۹	۱/۶	۵/۰	۳/۳	۷/۶	۶/۸	۴/۸
۲	رشد سرمایه گذاری	۱۲/۵	۳/۲	۵/۸	۴/۱	۱۴/۲	۱۲	۱۰/۸	۷
۳	نرخ تورم	۱۷/۳	۱۸/۱	۲۰	۱۲/۶	۱۱/۴	۱۵/۸	۱۵/۷	۱۵/۲
۴	نرخ بیکاری	۱۳/۱	۱۲/۵	۱۳/۵	۱۴/۳	۱۴/۲	۱۲/۸	۱۱/۸	۱۰/۳
۵	ضریب جینی	۴۰/۲۹	۳۹/۶۵	۴۰/۹	۳۹/۹۱	۳۹/۸۵	۴۱/۹۱	۴۱/۵۶	۳۹/۹۶
۶	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۱۵/۷	۱۴/۲	۱۵/۴	۱۵	۱۴/۴	۱۶/۹	۱۶/۲	۱۴/۶

منبع: آمار بانک مرکزی ایران. گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۱۶۲ و مرکز آمار ایران

۶- دولت نهم و دهم

جهت گیری کلان اقتصادی: رویکرد دولت احمدی نژاد در دوران ریاست جمهوری را می توان نوعی رویکرد متفاوت در مقایسه با رویکرد بروکراتیک دولت هاشمی و رویکرد اصلاح طلبانه دولت خاتمی دانست. این رویکرد از یک سو دارای وجه سلبی مبتنی بر نفی تجربه تاریخی دولت های گذشته بود. تاکید بر عدالت یکی از شعارهای محوری دولت بود که حرکت به سوی تحقق عدالت در دولت های قبلی را فراموش شده می دانست و باید در دولت جدید احیا شود. احمدی نژاد اجرای عدالت را توزیع مناسب و عادلانه منابع ثروت ها و امکانات کشور و رفع مشکلات و اصلاح عقب ماندگی های تاریخی برخی از مناطق کشور، ایجاد فرصت های برابر اشتغال و مبارزه با فساد و تبعیض می دانست. احمدی نژاد در نقد عملکرد اقتصادی دولت های گذشته مبانی برنامه های توسعه در کشور در دوران بعد از جنگ را زیر سؤال می برد و آن را الگوی تقلیدی از نظام سرمایه داری و بانک های جهانی می دانست که نتایج اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نامطلوبی برای کشور به بار آورده است. بر این اساس احمدی نژاد سازوکارهای برنامه چهارم توسعه را که در زمان دولت خاتمی طراحی و به

وسیله مجلس به تصویب رسیده بود را متناقض می‌دانست لذا دولت نهم با اصلاح مواردی از برنامه چهارم توسعه و با تایید مجلس برنامه‌های جدید به نام طرح تحول اقتصادی را مطرح ساخت. هدف این برنامه گسترش عادلانه منابع کشور در بین اقشار و مناطق مختلف و اصلاح ساختارهای موجود اقتصادی عنوان شده بود. رویکرد این طرح اولویت به چند موضوع کلیدی در حوزه اقتصاد از جمله اصلاح نظام بانکی، اصلاح یارانه‌ها اصلاح نظام مالیاتی و گمرکی، اصلاح نظام توزیع بود. در این راستا دولت از همان ابتدا برنامه خود را در راستای توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها برای همه به خصوص اقشار محروم اجرا کرد که می‌توان به طرح مسکن مه، توزیع سهام عدالت و طرح هدفمندی یارانه‌ها اشاره کرد.

برنامه کلان اقتصادی

الف- هدفمندی یارانه‌ها: در طرح هدفمندی یارانه‌ها حق برخورداری همگان از فرصت‌ها و بهره‌مندی آحاد جامعه در حد کفاف مطرح می‌شود. دو عنصر اساسی این برنامه در چارچوب اولین گام برای تحقق عدالت و مقابله با نابرابری اولیه در توزیع فرصت‌ها و منابع و امکانات عمومی به نفع فقرا و واقعی و محرومین جامعه است. یکی از این بی‌عدالتی‌ها صورت گرفته اعطای نابرابر یارانه‌ها به آحاد جامعه است. (یوسفی، ۱۳۹۷: ۳)

از جمله امکاناتی که سال‌ها دهک‌های بالای جامعه به مراتب بیشتر از فقرا و جامعه از آن بهره‌مند بودن یارانه‌های حامل انرژی است. با آنکه سالانه بخش قابل توجهی از بودجه سالانه دولت به یارانه‌ها اختصاص می‌یابد، اما در بسیاری از موارد گروه‌های مستحق راه‌هدف قرار نداده و اقشار مرفع به نسبت مصرف بیشتر بهره بیشتری از یارانه‌ها می‌برند که موجب نوعی بی‌عدالتی در تخصیص منابع عمومی شده است. (بخشایش، ۱۳۹۷: ۷۸-۷۲)

ب- مسکن مهر: دومین طرح جامع دولت در رفع شکاف طبقاتی طرح مسکن مهر بود. مسکن مهر همواره یکی از نیازهای اولیه و اساسی در هر جامعه محسوب می‌شود. (فرهاد خواه، ۱۳۹۲: ۳۱) رویکرد دولت نهم و دهم در بخش مسکن با سیاست‌هایی مانند زمین صفر دنبال شد، و با قوانینی همچون لایحه ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و به راهکارهای اجرایی مانند طرح مسکن مهر انجامید. مسئولان این طرح عقیده داشتند با حذف زمین از هزینه ساخت و پررنگ کردن نقش دولت و علاوه بر افزایش پاسخگویی برای تقاضای مسکن در سالهای آتی قیمت مسکن

نیز کاهش خواهد یافت. طرح مسکن طرحی است که در قالب واگذاری حق بهره برداری از زمین برای ساخت مسکن و حذف هزینه زمین از قیمت تمام شده در ساختمان با انطباق با توان مالی خانواده‌های کم درآمد و میان درآمد در نظر گرفته شد. در اهداف مسکن مهر کمک به تامین مسکن اقشار کم درآمد و تقاضای کمی و کیفی تولید و عرضه مسکن، کاهش نابرابری در برخورداری از مسکن مناسب و جلوگیری از توسعه حاشیه نشینی و ارتقاء عدالت اجتماعی دیده شده است (خلیلی، ۱۳۹۳: ۸)

به طور کلی در دولت احمدی نژاد سیاست‌های اقتصادی کشور در راستای دغدغه عدالت خواهانه و دفاع از محرومان و تلاش برای توزیع عادلانه طرح فرصت‌ها و امکانات برای همه مناطق کشور با انجام پروژه‌های عمرانی گسترده در شهرها و مناطق محروم کشور ادامه یافت. در این دوران اقدامات زیادی برای کمک به اقشار نیازمند جامعه و مناطق محروم از طریق توزیع یارانه و ساخت صد هزار واحد مسکونی ارزان قیمت برای مردم کم درآمد به نام مسکن مهر و اعطای وام ازدواج و قرض الحسنه به نیازمندان اعطای وام‌های کم بهره به روستاییان و توزیع سهام عدالت و عدالت توزیعی برای هدفمند کردن یارانه‌ها و سهمیه بندی سوخت صورت گرفت. در این دوران برخی شاخص‌ها همچون رشد تولید ناخالص ملی و رشد سرمایه‌گذاری و نرخ تورم که بسیار متغیر بود. در نهایت به ۳۹ درصد رسید وضعیت مطلوبی نداشته است و همچنین واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی با اتکا به دلارهای نفتی کاهش ارزش پول ملی در مقابل دلار و اختلال در بانکداری رشد مفاسد اقتصادی ناشی از برخی از سیاست‌های رانت خیز گردید. در مجموع در مورد طرح‌هایی همچون بنگاه‌های کوچک زود بازده، صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی، صندوق مهر امام رضا و بانک تعاون، توزیع یارانه به اقشار کم درآمد و سیاست عدالت توزیعی دولت و رسیدگی به مناطق پیرامونی در کاهش ضریب جینی و رفع شکاف طبقاتی در کشور مطلوب بوده است.

جدول شماره ۳: شاخص آمار دولت عدالت محور

ردیف	شاخص‌های مهم اقتصادی بر شکاف طبقاتی	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
۱	رشد سرمایه گذاری	۸/۷	۳	۶/۶	۱۰/۹	-۰/۹	۶/۹	۱/۲	
۲	نرخ تورم	۱۰/۳	۱۱/۹	۱۸/۴	۲۵/۵	۱۰/۸	۱۲/۴	۲۱/۵	۳۰/۵
۳	نرخ بیکاری	۱۱/۵	۱۱/۳	۱۰/۵	۱۰/۴	۱۱/۹	۱۳/۵	۱۲/۳	۱۲/۲
۴	رشد تولید ناخالص ملی	۶/۹	۶/۶	۵	۰/۸	۳	۵/۸	۳	-۱/۹

۵	ضریب جینی	۴۰/۲۳	۴۰/۰۴	۴۰/۴۵	۳۸/۵۹	۳۹/۳۹	۳۸/۱۳	۳۶/۴۳
۶	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۱۴/۵	۱۴/۹	۱۵/۲	۱۳/۵	۱۴/۱	۱۳/۱	۱۰/۲۶

منبع: آمار بانک مرکزی ایران. گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۶۲ و مرکز آمار ایران

۷- دولت یازدهم و دوازدهم

جهت گیری کلان اقتصادی: دولت روحانی پس از پیروزی کوشید با حمایت از اعتدال گرایان خود را اعتدال گرا معرفی کند و با شعار دولت تدبیر و امید، اعتدال میانه روی، قانون گرایی و تعامل سازنده با جهان وارد صحنه شد. اعتدال گرایی که می توان آن را نوعی تفکر واقع گرا و محافظه کار نامید و شعار اعتدال گرایی گرایش سیاسی اجتماعی است که سعی دارد شکاف بین اصولگرایان و اصلاح طلب را تا حدی و به شکل قطعی برطرف کند. با توجه به این پیشینه روحانی خود را فردی اعتدال گرا می دانست که با آدمای تندرو و افراطی میانه ای نداشت و خط اعتدال را جایگزین افراد نماید. به بیان دیگر دولت اعتدال پیرو تفکری محسوب می شد که بعد از پایان جنگ در کشور حاکم شد. روحانی معتقد بود هشت سال سخت دولت محمود احمدی نژاد گذشته بود و بسیار امیدوار بود که دولت جدید شرایط اقتصادی و بین الملل را تغییر دهد. او کارش را با چند شعار آغاز کرد. اقتصاد آزاد و بها دادن به بخش خصوصی، بهبود فضای کسب و کار، و آغاز مذاکراتی که سبب شود چرخ سانتریفیوژها بچرخد و هم چرخ زندگی مردم.

محوریت برنامه های روحانی ایجاد گشایش اقتصادی و برقراری تعامل سازنده با کشورهای دنیا و رفع تحریم ها بود. شعار اصلی او در این زمینه نجات اقتصاد کشور بود. روحانی وعده داده بود که علاوه برداشتن برنامه چهار ساله اقتصادی، یک برنامه ۱۰۰ روزه برای ایجاد تحول در وضعیت اقتصادی مردم هم دارد و به دنبال این است که آن چنان مردم را از درآمد سرشار کند که اصلا به یارانه ۴۵ هزار تومانی نیاز نداشته باشد و به جای اینکه مردم دست به سوی دولت دراز کنند دولت به سوی مردم دست دراز کند. وی معتقد بود حل بحران هسته ای و چالش های سیاست خارجی با استفاده از پتانسیل کارشناسی کشور و پابندی به برنامه های توسعه می شود وضعیت کشور را بهبود بخشید. لذا بازگشت ریل حرکت دولت و برنامه های توسعه و قوانین بالادستی کشور را از جمله برنامه های اصلی خود برای

بهبود کشوری دانست. اما در عین حال تقویت تعامل با کشورهای مختلف با تمرکز بر تنش زدایی بین ایران و غرب مخصوصاً حل مسئله هسته‌ای ایران از طریق مذاکره در عرصه خارجی را مهمترین پروژه دولت خود برای پیشبرد امور می‌دانست (فوزی، ۱۳۹۶: ۲۵۱) وی معتقد بود که فشارهای تحریم‌های اقتصادی خارجی بر ایران از سه راه، اقتصاد را برای ایران تنگ کرده است. لذا راه حل ایشان برای مشکلات اقتصادی با استفاده از نیروهای متخصص و معتدل ریل اقتصاد را به جای خود بر گرداند و با یک دیپلماسی فعال و حل بحران هسته‌ای زمینه را برای رشد اقتصادی تقویت کند. تولید و صادرات تقویت کند. و بر این اساس تلاش برای رفع بحران‌های تورمی و رفع موانع تولید و تلاش برای شفافیت اقتصادی و تقویت بخش خصوصی و احیای سازمان برنامه و بودجه را به عنوان مهم‌ترین رویکرد اقتصادی خود مطرح کرد. و همچنین بازگشت به پایبندی به برنامه‌های توسعه کشور را از اولویت‌های خود ذکر کرد، و تلاش کرد تا فعالیت‌های دولت در زمینه اقتصادی در آغاز با برنامه پنجم توسعه کشور که از سال ۹۰ در دولت احمدی‌نژاد آغاز شده بود، هماهنگ شود. و در مرداد ۹۵ برنامه ششم توسعه را به مجلس شورای اسلامی ارائه داد که اجرای آن به دور دوم ریاست جمهوری روحانی موکول شد.

در مجموع مهمترین موفقیت دولت روحانی کاهش نرخ تورم تا زیر ۸ درصد و ایجاد نظم و ثبات نسبی اقتصادی بود. لذا باید کارنامه دوره اول در عرصه ایجاد ثبات اقتصادی، بازگشت به برنامه محوری، ثبات سیاست‌های اقتصادی، تلاش برای رفع نسبی مبانی صادرات اقتصادی و ارتباطات اقتصادی بین‌المللی، مثبت ارزیابی کرد. هر چند دوره دوم، رکود اقتصادی، رشد بیکاری، تعطیلی کارگاه‌های تولیدی، عدم رشد مناسب تولید داخلی، ضعف در مبارزه با قاچاق، کم توجهی به مناطق محروم و افزایش فاصله طبقات فقیر و غنی بود. ضریب جینی در سال ۹۲ معادل ۳۶۵ درصد بود که در سال ۹۹ به رقم ۴۰۶ درصد افزایش یافت که نشان دهنده رشد مجدد افزایش فاصله طبقاتی در این سال‌ها است. سهم هزینه دهک‌های مختلف بر اساس گزارش مرکز آمار ایران نسبت به متوسط هزینه خانوار در دهک دهم به دهک اول سهم ده درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین خانوارها از ۶۸/۱۰ در سال ۱۳۹۲ به ۱۳/۶۵ در سال ۹۶ افزایش یافت که حکایت از بدترین توزیع درآمد دارد.

جدول شماره ۴: شاخص اماردولت تدبیر و امید

ردیف	شاخص های مهم اقتصادی برشکاف طبقاتی	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
۱	رشد سرمایه گذاری	-							
۲	نرخ تورم	۴۰/۱	۲۴	۱۵/۸	۸	۸/۳			
۳	نرخ بیکاری	۱۰/۳	۱۰/۶	۱۱	۱۲/۲	۱۱/۹			
۴	رشد تولید ناخالص داخلی	-۱/۹	۳	۱	۸/۳	۴/۷			
۵	ضریب جینی	۳۶/۵۰	۳۸/۷۰	۳۸/۵۰	۳۹	۳۹/۸۰			
۶	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۱۰/۶۸	۱۲/۲۳	۱۲/۵۶	۱۲/۹۹	۱۳/۶۵			

منبع: آماربانک مرکزی ایران. گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۱۶۲ و مرکز آمار ایران

نتیجه گیری

در مقاله ی حاضر، به بررسی مقایسه ای عملکرد اقتصادی دولت ها بعد از انقلاب اسلامی بر ضریب جینی پرداخته شد. بر اساس نظریه توسعه نامتوازن که به عنوان مبنای نظری مطرح شده است سیاست های دولت و حاکمان زمینه ساز شکل گیری شکاف میان طبقه ثروتمند و فقیر و همچنین شهرهای مختلف شده است. بر اساس نظریه توسعه نامتوازن، دگرگونیهای اقتصادی، شهری شدن، بالا رفتن سطح سواد و آموزش و غیره، باعث شکل گیری طبقه اجتماعی با انتظارات و توقعات جدیدی میشود. نظریه توسعه ناموزون حکایت از شکاف میان درجه توسعه ی یک منطقه از یک کشور نسبت به منطقه دیگر با توجه به ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این امر دارد. به عبارت دیگر، توسعه ناموزون ناظر به عواملی نظیر شرایط طبیعی و جغرافیایی، ویژگیهای جمعیتی، ساختار برنامه ریزیها و سیاستگذاریها و جهت سرمایهگذاریهای اقتصادی است که برای برخی مناطق یک

کشور درجه‌هایی از توسعه یافتگی و برای برخی دیگر درجه‌هایی از توسعه نیافتگی (به نسبت مناطق توسعه یافته تر) را به بار می‌آورد. بنابراین، اگر تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توسعه را در نظر داشته باشیم، آنگاه شاخصهای اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، سیاسی و غیره معیار تمیز مناطق توسعه یافته تر از مناطق گرفتار در مدارهای توسعه نیافتگی و عقب ماندگی خواهد بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مقابله با گسترش شکاف طبقاتی و فقر یکی از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها بوده است. هدف‌گذاری جهت بهبود توزیع درآمد و تأکید بر آن در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی نیز بیانگر اهمیت این موضوع است. بر اساس نظریه توسعه نامتوازن، در چهاردهه گذشته صرف نظر از زمان جنگ که به دلیل مشکلات خاص انقلاب و جنگ نتوانستند تحول ساختاری مهمی را در عرصه اقتصادی و رفع شکاف و نابرابری طبقاتی به جا بگذارند. دولت‌های این نتوانستند رشد اقتصادی مستمر و پایدار را پیگیری کنند و نرخ تورم و بیکاری ضریب جینی و وضعیت با ثبات مثبتی را در بسیاری از مقاطع مختلف بدست آورند. در دولت هاشمی در پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی، بدلیل عدم شناخت درست ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کشور آنچه انتظار می‌رفت رخ نداد. عدم کارشناسی خسارت‌زادی بر جامعه فقیر و متوسط تحمیل کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد پیامدهای منفی این سیاست‌ها سبب تورم زیاد و پرنوسانی در جامعه شد. تورم، نابرابری در توزیع ثروت و درآمد، فشار اقتصادی بر اقشار کم درآمد تشدید شد. نرخ تورم در سال ۱۳۳۸ معدل ۱۷/۳ درصد بود که در سالهای بعد ۴۹/۴ را هم تجربه کرد. ضریب جینی به ۰/۷۴ رسید یا اینکه در دولت خاتمی عدالت و توزیع درآمد نسبت دهک بالا به دهک پایین جامعه و ضریب جینی در این دوران کاهش جدی نیافت، که نشان دهنده تداوم شکاف طبقاتی در این دوران است. در مقطعی دیگر در دولت احمدی‌نژاد، سیاست‌های اقتصادی کشور در راستای دغدغه عدالت خواهانه و دفاع از محرومان و تلاش برای توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات برای همه مناطق کشور در شهرها و مناطق محروم کشور ادامه یافت، در این دوره اقدامات زیادی برای کمک به اقشار نیازمند جامعه و مناطق محروم از طریق یارانه و ساخت صدها هزار واحد مسکونی ارزان قیمت برای مردم کم درآمد ساخته شد. هرچند که در این دو دوره به دلیل رشد نقدینگی و استقراض سنگین از بانک مرکزی و پرداخت تسهیلات بی‌رویه به مردم، نرخ تورم متغیر بود، و در سه سال آخر افزایش زیادی داشته و در نهایت به ۳۹/۳ رسید، ولی باعث شد ضریب جینی نسبتاً بهبود یابد. و سیاست‌های تشدید کننده شکاف طبقاتی دولت روحانی توقف یا کند

شدن اجرای طرح‌های حمایتی دولت قبل از قبیل مسکن مهر، توزیع ناعادلانه ارز ۴۲۰۰ تومانی به بهانه کنترل قیمت ارز، مهار تورم در این دوره، دستوری کردن نرخ ارز، توزیع میان افراد خاص برای تامین نیازهای وارداتی کشور، در این دوره وتعلل در اصلاح ساختار مالیاتی کشور از فرار مالیاتی گسترده، تأثیرات زیادی بر قشر متوسط و فقیر جامعه به جا گذاشت به نحوی که در سال ۹۲ ضریب جینی معادل ۳۷/۵۰ بود و در سال ۹۹ معادل ۴۰/۶ که نشان دهنده رشد مجدد افزایش فاصله طبقاتی در این سال‌ها است. با توجه به وضعیت شکاف طبقاتی در کشور به این نتیجه رسیدیم که چالش‌های عینی زیادی فراروی دولت‌ها در کشور در راه تامین رفح نابرابری‌های اجتماعی وجود دارد، به نظری می‌رسد دولت‌ها بعد از انقلاب اسلامی به دلیل نداشتن برنامه مدون در برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور که رفح شکاف طبقاتی جزئی از این برنامه‌ها است، در فضایی غیر علمی، غیر منسجم، فاقد اهداف بلند مدت تعریف شده است و بعلت پنج ساله بودن برنامه‌ها و تداخل در دولت بعدی، نظارت بر برنامه از دولت به دولت دیگر تغییر کرده و جدی‌انگاشته نشده یا متوقف شده و متناسب با دیدگاه‌های فردی سازمانی دولت‌های مختلف به اهداف توجه شده است، و در حل مشکلات ابتلا به نوعی روزمرگی در اداره کشور هستند. بنابراین دقت و مطالعه بیشتر در این زمینه و ارائه راهکارهای مناسب برای حل این معضل در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

کتابنامه

۱. احمدی، مهدی. (۱۳۹۷). *انقلاب و نفت روایت وزیران جمهوری اسلامی از اقتصاد سیاسی نفت*. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
۲. بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.
۳. بخشایش، فاطمه سادات. (۱۳۹۷). *دولت بهار*. تهران: انتشارات شابک.
۴. دادگر، حسن. (۱۳۸۵). *اقتصاد ایران قبل و بعد انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
۵. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۷). *آنا تومی جامعه یا سته الله مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. تهران: انتشارات کاوه.
۶. زند و کیلی، مهدی. (۱۳۹۷). *چگونه با اقتصاد ایران آشنا شویم*. قم: انتشارات یاس بخشایش.

۷. علی بابایی، داود. (۱۳۹۴). تاریخ هشت ساله ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد جلد اول. تهران: انتشارات امید فردا.
۸. علی اکبری، محمد. (۱۳۹۵). رفاه اجتماعی در ایران معاصر. تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش اجتماعی.
۹. عظیمی، حسین. (۱۳۹۶). اقتصاد ایران امروز. تهران: انتشارات نشرنی.
۱۰. غنی‌نژاد، موسی. (۱۳۹۶). اقتصاد و دولت در ایران. پژوهشی درباره ریشه‌ها و علل تساوم اقتصاد دولتی در ایران. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
۱۱. غنی‌نژاد، موسی. (۱۳۹۱). آزاد سازی و عملکرد اقتصادی. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
۱۲. فوزی، یحیی. (۱۳۹۶). تحولات سیاسی- اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۷-۱۳۹۶. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. کاری، محمدرضا؛ ابراهیم نیا، حسین. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی طبقات در ایران شکاف‌ها و تضادها. تهران: انتشارات آثار فکری.
۱۴. کیانی‌پور، سعید. (۱۳۹۹). اقتصاد ایران. همدان: انتشارات فراگیر حکمتانه.
۱۵. مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی ایران دوران معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. نوریخس، بهمن. (۱۳۹۵). مسایل توسعه در دولت‌های رانتیرو توسعه‌گرا. قم: انتشارات آتریس.
۱۷. احمدی، علی؛ مهرگان، نادر. (۱۳۸۴). «تاثیر سیاست‌های تعدیل ساختاری بر توزیع درآمد در ایران». مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۷۰ ص ۲۰۹-۲۳۲.
۱۸. باقری دولت آبادی، علی. (۱۳۹۵). «توسعه محوری در دولت سازندگی و الزامات آن برای سیاست خارجی ایران». نشریه دولت پژوهی. سال دوم شماره ۶ ص ۱۷۶-۱۳۴.
۱۹. جلالی، محسن. (۱۳۸۷). «بررسی و برآورد ضریب جینی در ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران. سال دوازدهم شماره ۳۶ ص ۱۱۵-۱۳۴.
۲۰. حاتمی، عباس. (۱۳۸۶). «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب». فصلنامه سیاست. شماره ۲ ص ۱۱۳-۸۹.
۲۱. خواجه سروی، غلامرضا. (۱۳۹۰). سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۲۲. خدابخشی، لیلیا. (۱۳۹۷). «مقایسه شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت ایران در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد با حسن روحانی». *فصلنامه راهبرد سیاسی*. سال دوم شماره ۷، ص ۹۹-۱۱۲.
۲۳. خلیلی، احمد (۱۳۹۴). «ارزیابی سیاست مسکن مهر در ایران و آرایه راهکارهایی برای بهبود آن». *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری*. شماره ۱۳، ص ۸۳-۱۰۵.
۲۴. داودآبادی، مهدی. (۱۳۹۵). *قانون اساسی جمهوری اسلامی*.
۲۵. ربیعی، علی. (۱۳۸۹). «شکاف درآمدی دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار مطالعه موردی ایران». *فصلنامه راهبرد*. شماره ۵۷.
۲۶. فضلی‌نژاد، سیف‌الله؛ احمدیان، مرتضی. (۱۳۸۹). «اقتصادرانتی ایران و راههای برون رفت از آن». *مجله اقتصادی ماهنامه بررسی مسایل و سیاست‌های اقتصادی*.
۲۷. قدیری اصلی، باقر. (۱۳۷۸). «آثار اقتصادی اجتماعی تورم در ایران». *نشریه تامین اجتماعی*. شماره ۲، ص ۳۷۹-۳۷۱.
۲۸. مهربانی، وحید. (۱۳۸۹). «تأثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران». *مجله تحقیقات اقتصادی*. شماره ۹۰، ص ۲۰۷-۲۲۷.
۲۹. مومنی، فرشاد؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۶). «نفت کیفیت زندگی و توسعه در ایران ۱۳۹۰-۱۳۵۰». *فصلنامه علوم اجتماعی*. سال ۲۷، شماره ۸۰.
۳۰. نیلی، مسعود؛ فرخ‌بخش، علی. (۱۳۷۷). «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد». *مجله برنامه و بودجه*. شماره ۴، ص ۲۲۱-۲۰۲.
۳۱. هادی‌زنوز، بهروز. (۱۳۹۸). «فقر و نابرابری درآمد در ایران». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال چهارم شماره ۱۷، ص ۳۱۰-۲۳۵.
۳۲. یوسفی، احمد علی؛ کریمی، علی اکبر (۱۳۹۷). «توزیع عادلانه انفال و منابع عمومی (مطالعه موردی هدمندی یارانه‌ها)». *نشریه معرفت اقتصاد اسلامی*. شماره ۱۹، ص ۸۲-۶۵.
۳۳. شکوهیا، شیرین. (۱۳۹۵). «تأثیر سیاست پولی و مالی بر شاخص توزیع درآمد». *چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت اقتصاد*. برلین آلمان ۱۳۹۵/۴/۱۹.